

فصل نامه علمی پژوهشنامه تاریخ اسلام
سال دوازدهم، شماره چهل و هفتم، پاییز ۱۴۰۱
مقاله پژوهشی، صفحات ۲۷-۵۶

فعالیت‌های حکم المستنصر بالله (حک. ۳۵۰-۳۶۶) در ارتقای جایگاه علمی اندلس

علی رضا روحی^۱

چکیده

حکم بن عبدالرحمن ملقب به المستنصر بالله (حک. ۳۵۰-۳۶۶)، از خلفای اموی اندلس است که به امور علمی توجه ویژه‌ای داشت. حکم که خود دانشمند بود، در حمایت از علم و دانش، جذب دانشمندان، تشویق آنان به رحله‌های علمی و تألیف آثار تلاش‌های بسیاری کرد. او همچنین به خرید کتاب، تجهیز و توسعه کتابخانه قصر اهتمام بسیار داشت. حکم با تسامح و تساهل نسبت به علمای مذاهب، نحله‌ها و ادیان موجب شد تا رونق علمی فزاینده‌ای در بین علما و مکاتب مختلف شکل گیرد. پرسش اصلی پژوهش این است که عملکرد حکم المستنصر در حمایت از علم و دانش چگونه بود و این حمایت‌ها چه اندازه بر رشد و ارتقاء علمی اندلس تأثیر گذاشت؟ این مقاله با استفاده از شیوه کتابخانه‌ای و به روش توصیفی-تحلیلی به بررسی تلاش‌های حکم در زمینه اعتلای علوم پرداخته و تأثیر این حمایت‌ها را در رشد و ارتقاء علمی اندلس نشان داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در نتیجه اقدامات حکم، اندلس از جایگاه والایی در عرصه علوم به‌ویژه شعر و ادبیات، فقه مالکی، انساب، حدیث و برخی علوم طبیعی برخوردار شد؛ تکاپوهای وسیع علمی به وجود آمد و آثار متعددی تألیف شد و همچنین مهم‌ترین و غنی‌ترین کتابخانه در غرب جهان اسلام در قرطبه شکل گرفت.

کلیدواژه‌ها: اندلس، تاریخ آموزش در اندلس، تسامح و تساهل، حکم المستنصر.

۱. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران.

dr.roohi@razavi.ac.ir

تاریخ دریافت: ۰۱/۰۶/۱۴ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۸/۲۵

The activities of Hakam al-Mustanşir Billāh (reigned 350-366) in promoting the scientific status of Andalusia

Ali Reza Rouhi¹

Abstract

Hakam ibn ʿAbd al-Raḥmān nicknamed al-Mustanşir Billāh (350-366) is one of the Umayyad caliphs of Andalusia who paid special attention to scientific affairs. Hakam, who was a Scholar himself, made many efforts to support science, gathering scholars, encouraging them to go on scientific journeys, and authoring works. He was also very interested in buying books and equipping and developing the palace library. Hakam's behavior with tolerance towards the scholars of different schools, sects, and religions led to an increasing scientific prosperity among scholars and different schools. The main question of the research is, what was Hakam al-Mustanşir's performance in supporting science and knowledge, and how much did these supports affect the scientific growth and promotion of Andalusia? Using a library method and a descriptive-analytical method, this article has investigated Hakam's efforts in the field of science promotion and has shown the effect of these supports in the scientific growth and promotion of Andalusia. The findings of the research show that as a result of Hakam's activities, Andalusia enjoyed a high ranking in the field of sciences, especially poetry and literature, Maliki jurisprudence, genealogy (Anşab), Ḥadīth and some natural sciences; Vast scientific endeavors took place and numerous works were authored, and the most important and richest library in the west of the Islamic world came into existence in Córdoba.

Keywords: Andalusia, history of education in Andalusia, tolerance, Hakam al-Mustanşir.

1. Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. dr.roohi@razavi.ac.ir

درآمد

اندلس در دوره امویان، از جهت علمی، جایگاه والایی داشت و یکی از مراکز مهم تمدن اسلامی شد. امویان از آغاز تسلط بر اندلس به امور علمی و تمدنی توجه داشتند؛ چنانکه عبدالرحمن داخل (حک. ۱۳۸-۱۷۲) از مهاجرت علما به اندلس حمایت کرد (ابن القوطیه، ۵۶). حاکمان بعدی نیز به امور علمی اهتمام داشتند. در زمان عبدالرحمن بن محمد (عبدالرحمن اوسط) به علوم عقلی، فقه مالکی، فرهنگ و تمدن اسلامی توجه خاصی شد (نعنعی، ۲۱۸). در دوره عبدالرحمن الناصر (حک. ۳۰۰-۳۵۰) اهتمام ویژه‌ای به امور علمی صورت گرفت. ناصر تأکید بسیار به جمع‌آوری کتاب‌های نفیس داشت (عنان، ۴۹۴/۱) و برخی از دانشمندان برجسته را از عراق به اندلس دعوت کرد (ابن خیر اشبیلی، ۴۰۳؛ ابن فرضی، ۸۳/۱). حکم فرزند عبدالرحمن از زمان ولایتعهدی به امور علمی تمرکز داشت و تلاش‌های خاصی برای رشد و ارتقای علوم گوناگون در اندلس انجام داد و از این جهت، برجسته‌ترین خلیفه اموی به شمار می‌آید. او فعالیت‌های گسترده‌ای در جهت حمایت و جذب دانشمندان مناطق مختلف جهان اسلام انجام داد، به گونه‌ای که قرطبه از مهم‌ترین مراکز علمی در عالم اسلام شد و علمای بسیاری از نقاط مختلف به ویژه از عراق و شام به قرطبه مهاجرت کردند.

قدرت امویان اندلس در زمان عبدالرحمن الناصر و پسرش حکم به اوج خود رسید. در نواحی مرزی با مسیحیان، امنیت به وجود آمد و بستر مناسبی برای تمرکز بر علم و دانش شکل گرفت. طالبان علم از اندلس به شهرهای مصر به ویژه اسکندریه، بغداد، دمشق و حتی برخی مناطق شمال خراسان و ماوراءالنهر می‌رفتند. همچنین با حمایت‌های گسترده حکم، تعدادی از برجسته‌ترین دانشمندان از شرق جهان اسلام به اندلس دعوت شده و آثار و مکتوبات بسیاری را وارد اندلس کردند. با حمایت حکم، تعداد مراکز و نهادهای آموزشی افزایش بسیار یافت به گونه‌ای که در روایت مقری (۵۴۰/۱) تعداد مساجد هزار و ششصد باب و در روایت دیگری سه هزار باب ذکر شده است (عنان، ۴۴۱/۱، ۴۷۴-۴۷۳). رقابت با فاطمیان و عباسیان نیز در گسترش این نهضت علمی تأثیرگذار بود و باعث شد تا امویان در این رقابت بر تقویت جنبش علمی

بیشتر تمرکز کنند (دویدار، ۳۸۵).

مهم‌ترین نتیجه حمایت‌های گسترده از علم و علما، این بود که اندلس و شهر قرطبه در نیمه دوم قرن چهارم، از رشد و بالندگی علمی بسیار برخوردار شد و در بسیاری از علوم همانند فقه مالکی، انساب، ادبیات عرب، حدیث و برخی علوم طبیعی، در غرب جهان اسلام سرآمد شد. حمایت‌های گسترده از تجهیز کتابخانه قرطبه باعث شد تا کتابخانه قصر در قرطبه از غنی‌ترین کتابخانه‌های جهان اسلام شود. مهم‌ترین پرسش این پژوهش این است که حمایت‌های حکم از علم و دانش چگونه و در چه زمینه‌هایی بوده و این حمایت‌ها چه تأثیری بر رشد و ارتقای علمی اندلس گذاشت؟

پیشینه پژوهش

در خصوص اهتمام حکم به علوم گوناگون و دانشمندان، اثر جامعی تألیف نشده است. در بین پژوهش‌های جدید که به بحث امویان اندلس و یا تمدن اسلامی در اندلس پرداخته‌اند، مطالبی در این باره به صورت اجمال و یا بعضاً ناقص نقل شده است. از جمله در کتاب *تاریخ دولت اسلامی در اندلس* تألیف عنان (۱۳۶۶ش) به تأثیر حکم در گسترش کتابخانه‌ها، معرفی برخی از دانشمندان مورد حمایت حکم و نیز مختصری درباره آموزش و پرورش آن دوره پرداخته شده است. در این اثر نسبت به سایر منابع تمرکز بیشتری به این موضوع شده اما کافی نبوده و بسیاری از مباحث، قابلیت بحث مفصل و تخصصی را دارد. در کتاب *الاندلس تألیف کولان* (۱۹۸۰) گزارش کوتاهی از شکوفایی علمی اندلس در عصر حکم بدون ذکر منبع آمده است. در کتاب *معالم تاریخ المغرب و الاندلس* تألیف حسین مونس (۱۹۹۲) گزارش‌هایی از برخی فعالیت‌های علمی حکم بدون ذکر منبع نقل شده، که به این گزارش‌ها نمی‌توان اطمینان کرد. دوزی (۱۹۹۴) در کتاب *المسلمون فی الاندلس* فقط در دو صفحه کلیاتی را به صورت گذرا و بدون ذکر منبع، درباره رونق علمی عصر حکم بیان کرده است. در کتاب *الخلافه الامویة* تألیف عبدالمنعم الهاشمی (۱۹۹۸) در بحثی با عنوان *صفه الحکم* به صورت اجمالی به موضوع گردآوری کتاب توسط حکم و معرفی سه نفر از دانشمندان مورد



حمایت او پرداخته شده است. نعنعی (۱۳۸۰ش) در کتاب *دولت امویان در اندلس* به بررسی وضعیت فرهنگ و تمدن در عصر حکم پرداخته است. در مقاله «التطور العلمی فی الأندلس زمن الخلیفه الحکم المستنصر» تألیف اسلام ابوذر و دیگران (۲۰۲۰)، گزارشی درباره توجه حکم و پدرش به علم و دانش، شکوفایی تمدن اسلامی و دیگر اقدامات حکم در این زمینه بدون هیچ منبع و مأخذی نقل شده است.

جایگاه علمی حکم‌المستنصر بالله

حکم‌المستنصر (حک. ۳۵۰-۳۶۶) در روز جمعه جمادی الاخر سال ۳۰۲ در شهر قرطبه متولد شد. او پس از مرگ پدرش عبدالرحمن الناصر (حک. ۳۰۰-۳۵۰) به خلافت رسید. عبدالرحمان مقتدرترین و قوی‌ترین حاکم اموی اندلس بود که پس از مرگش حکومتی بسیار مقتدر را برای حکم‌المستنصر باقی گذاشت (ابن فرضی، ۱۵/۱؛ ابن عذاری، ۲/۲۳۳). حکم خود اهل علم بوده و در قرطبه فعالیت‌های تحصیلی و علمی‌اش را آغاز کرد. پدرش عبدالرحمان نقش مهمی در پرورش او داشت و برای او برترین استادان و دانشمندان را انتخاب کرده بود.

جدول شماره ۱: استادان حکم

نام استاد حکم‌المستنصر	ویژگی مهم و تخصص	منبع
۱ محدث جلیل قاسم بن اصبع ابن محمد معروف به البیانی	محدث، نحوی و شاعر	حمیدی، ۴۰؛ ابن فرضی، ۴۷/۲؛ مقرئ، ۴۰۷/۱
۲ زکریا بن خطاب الکلبی	عالم علم انساب	ابن فرضی، ۱۷۶/۱-۱۷۷
۳ سعید بن جابر الکلای	متبحر در علم نحو	ابن فرضی، ۱۹۸/۱
۴ محمد بن اسماعیل النحوی معروف به حکیم (متوفای ۳۳۱)	متخصص در نحو و حساب	زبیدی، ۲۷۸؛ ابن فرضی، ۵۴/۱، ۵۴/۲
۵ ثابت بن قاسم بن حزم	از شیوخ حکم که به او اجازه داد	ابن فرضی، ۱۲۰/۱؛ مقرئ، ۳۹۵/۱
۶ عثمان بن نصر	از اهالی قرطبه و از استادان برجسته حکم	ابن فرضی، ۳۴۸/۱

۷	احمد بن دحیم	از فقهای برجسته مالکی	قاضی عیاض، ۱۲۰/۶
۸	هشام بن ولید	از ادیبان و عالمان علم عروض	ابن فرضی، ۱۷۱/۲
۹	فتح بن محمد انصاری	از اهالی طلیطله و از دانشمندان شرق و استاد المستنصر در علم حدیث	ابن فرضی، ۳۹۵/۱
۱۰	قاسم بن احمد معروف به ابن ارفع (متوفای ۳۷۳)	استاد حکم در فقه	ابن فرضی، ۴۱۳/۱؛ مقری، ۳۹۵/۱
۱۱	محمد بن غانم	استاد حکم در علم حدیث	ابن فرضی، ۶۰/۲

حکم خود علاقه بسیاری به علم داشت و از دانشمندان به نام عصرش به شمار می آمد. این ویژگی باعث شد تا بسیاری از نویسندگان، درباره فضائل علمی و دانش حکم اظهار نظر کنند (نک. زبیدی، ۱۷-۱۸؛ ابن خطیب، ۴۲-۴۱؛ قاضی صاعد، ۲۴۱؛ خسنی، ۲۳؛ ابن ابار، ۲۰۱/۱؛ حمیدی، ۱۳؛ ابن حزم، رسائل، ۷۵/۲؛ ۱۹۴/۲).

دوره خلافت حکم المستنصر، عصر طلایی تمدن اسلامی در اندلس به شمار می آید. در آن دوره علوم و ادبیات شکوفا شد. قرطبه پذیرای دانشمندان بسیاری از شهرها و مناطق مختلف قلمروی اسلامی شد. حکم توجه ویژه ای به مسائل علمی، مصاحبت و همراهی با علما، و مجالست با آنان داشت و خود نیز از دانشمندان شد؛ به گونه ای که شیوخ از او حدیث می شنیدند و او نیز مرویاتش را به آنها اجازه می داد و آنها نیز به او اجازه می دادند (مونس، ۳۸۳). او بسیار اهل مطالعه بود و بخشی از اوقاتش را در کتابخانه به بررسی مخطوطات می گذراند. چه بسا آثار بسیاری را که در خزانه کتابخانه وجود داشت، مطالعه کرده و بر بسیاری از آنها تعلیق یا توضیحی در آغاز یا در پایان کتاب، درباره معرفی مولف، تولد، وفات، نسب نویسنده، نسب راویان او و یا غرائب کتاب نوشته است. این توضیحات تنها با مطالعه بسیار به دست می آمد (مقری، ۳۹۵/۱؛ دوزی، ۶۶/۲؛ مونس، ۳۸۳). تعلیقات و توضیحات او مورد اعتماد دانشمندان قرار گرفت؛ به گونه ای که همه آنچه را که حکم به عنوان تعلیقیه می نوشت، نزد شیوخ

اندلس حجت شمرده می‌شد (ابن‌ابار، ۲۰۲/۱؛ حمیدی، ۱۰۱). این تعلیقات در منابع کهن با جملاتی همانند «وجدت او رأیت او قرأت بخط الحکم المستصیر رحمه الله»، نقل شده‌است. برخی بسیاری از این تعلیقات را ثبت کرده‌اند (به عنوان نمونه نک. زبیدی، ۶۵؛ ابن‌فرضی، ۱۲۰/۱، ۳۶۷/۱، ۳۸/۲ و صفحات متعدد دیگر؛ ابن‌حزم، جمهره، ۳۹۹، ۴۰۸؛ حمیدی، ۱۰۱؛ ابن‌ابی‌اصیبعه، ۴۸۶؛ النباهی، ۶۵؛ مقرئ، ۶۶۳). ظاهراً دست خط حکم تا حدود یک قرن بعد در اختیار نویسندگان قرار داشته و از آن بهره می‌بردند (قاضی صاعد، ۲۳۱).

حمایت و تشویق دانشمندان برای تألیف کتاب

حکم از دوره ولایتعهدی در طلب علم بوده و حمایت‌های گسترده‌ای از دانشمندان داشت (ابن‌فرضی، ۸۳/۱؛ ابن‌خیر اشیلی، ۴۰۳). او از همان زمان علاوه بر دعوت از علما، برای خود کتابخانه‌ای خصوصی و بسیار غنی گرد آورد (ابن‌ابار، ۲۰۱/۱؛ مراکشی، ۱۷۵؛ قاضی صاعد، ۲۴۱). حکم و برادرش عبدالله به اهل علم محبت بسیار داشته و آنها را تشویق به تدریس علوم می‌کردند. او دانشمندان را از هر منطقه‌ای دعوت کرده به گونه‌ای که در بین بنی‌امیه کسی بیشتر از او به این امر اهتمام نداشت (ابن‌خطیب، ۴۲). ویژگی مهم دوره خلافت حکم، توجه به علوم و دانشمندان و صرف هزینه‌های زیاد برای آنها بود (ابن‌خلدون، ۱۸۷/۲). خشنی (۲۴) که هم‌زمان با حکم بود، در این باره می‌نویسد: «اقدامات و حمایت‌های حکم باعث شد تا اهل علم به تحرک آمده و غرر اخبار که از بین رفته بود را حفظ کنند و آنچه را که از عیون معارف اهمال شده، مقید نمایند و همه این‌ها به برکت امیر بود».

حکم اهتمام بسیاری بر تشویق دانشمندان داشت و برای آنها تمامی امکانات مادی و معنوی را فراهم کرد و بخشش‌های فراوانی برای تألیف در موضوعات علمی داشت. از این‌رو تألیف کتاب از نظر کمیت و کیفیت، افزایش بسیار یافت و در همه علوم آثاری تدوین شد. حکم دستور نگارش آثار متعددی را داد (قاضی صاعد، ۲۴۱). او در هر سال ۱۰۰ مئقال طلا به دانشمندان صله می‌داد و به برخی بیشتر می‌بخشید (قاضی

عیاض، ۲۷۵/۵). در دربار او تعدادی از علمای مشرق و مغرب ساکن شده که مایه زینت دربار بودند. او از علمای غیر مسلمان نیز حمایت می‌کرد. خلیفه با عطایای خویش آنان را می‌نواخت، حتی فلاسفه در سایه حمایت او می‌توانستند بدون ترس از کشته شدن به بحث و گفتگو در فلسفه بپردازند (عنان، ۴۹۷/۱). او با مولفین همراه بود و در مواردی به آنها مشورت می‌داد. گاهی در جلسات علمی آنها مشارکت می‌کرد و موضوع یا روشی را به آنها پیشنهاد می‌داد و یا شیوه نگارشی خاصی را برای آنها ترسیم می‌کرد؛ چنان‌که از زبیدی (متوفای ۳۷۹، ۱۷-۱۸) خواست تا کتابی را درباره نحوین و لغویین تألیف کند و خود نیز زبیدی را در این کار یاری کرد. به جهت جایگاه خاص علما، حکم برخی از برجسته‌ترین دانشمندان را در امور قضائی و مناصب مهم حکومتی به‌کار گرفت. او خود کتابی با عنوان *کتاب القضاء* نوشت که ابن‌فرضی نیز به آن استناد کرده است (نک. ابن‌فرضی، ۱۳۱/۱، ۹۲، ۱۰۴، ۳۶۷، ۴۰۹، ۳۹۶، ۴۱۲/۱-۴۱۳؛ خشنی، ۲۹؛ قاضی عیاض، ۶/۷، ۲۰).

حکم هیچ فرصتی را برای دعوت و تشویق دانشمندان به تألیف کتاب از دست نمی‌داد و از تمامی شرایط و زمان‌ها برای این امر استفاده می‌کرد. در زمانی که او در سال ۳۵۲ قمری با مسیحیان را داشت، از عبدالله بن مغیث معروف به ابن‌صفار (متوفای ۴۲۹) تقاضا کرد تا با او همراه شود و او به جهت ضعف جسمی از همراهی با حکم، عذرخواهی کرد. حکم از او خواست تا برای معاف شدن از نبرد، خلفای بنی‌امیه را در اشعاری مورد توصیف و مدح قرار دهد. ابن‌صفار تألیف اشعار را برگزید و کتابش را در یک جلد تألیف کرد. حکم در مسیر بازگشت از نبرد، کتاب را دریافت کرد. حکم در طلیطله او را دید و از این کتاب بسیار خوشحال شد (ضبی، ۳۳۳؛ ابن‌حزم، *رسائل*، ۲۲۱/۲؛ حمیدی، ۲۵۲-۲۵۳؛ مقرئ، ۲۶/۴).

جدول شماره ۲: مهم‌ترین دانشمندی که با حمایت حکم آثاری را تألیف کردند

نام دانشمند	تخصص	معرفی اجمالی زندگی و ویژگی مهم علمی	منبع
۱ محمد بن حارث الخشنی (متوفای ۳۶۱)	شعر، ریاضی، کیمیا، پزشکی، فقه مالکی، کشاورزی، تراجم و طبقات	وی از اهالی قیروان بود، در دوازده سالگی به قرطبه آمد و از محضر بزرگان این شهر بهره برد. او در قرطبه تحت حمایت حکم به سرپرستی امور مواریت و شورای قرطبه منصوب شد. همچنین او بنا به درخواست حکم، کتاب‌های متعددی تألیف کرد. حکم هدف و چهارچوب کلی را برای او بیان کرد و سپس به او دستور نگارش داد. خشنی آثار متعددی تألیف کرد که غالب آنها شرح حال عالمان مالکی یا در موضوع فقه مالکی بود. او غالب کتاب‌هایش را به درخواست حکم نوشت، از جمله آنها کتاب <i>القضاء</i> یا <i>اخبار القضاء بالاندلس</i> است که آن را به دستور حکم تألیف کرد. از آثار مهم او کتاب <i>طبقات علماء افریقیه</i> و کتاب <i>طبقات المحلثین بالاندلس</i> است. او برای خلیفه صد دیوان تألیف کرده بود.	خشنی، ۲۴؛ ابن فرضی، ۱۱۵/۲؛ عنان، ۴۹۵/۱
۲ ابوعبدالله محمد بن یوسف الوراق (متوفای ۳۶۳)	جغرافیا، اخبار و تاریخ	او برای حکم المستنصر کتاب بزرگ <i>مسالك افریقیه و ممالکها</i> و کتاب بزرگ <i>اخبار ملوکهم و حروبهم و القانمین علیهم</i> و کتاب <i>اخبار تیهرت و وهران و تنس و سجلماسه و نکور و البصره</i> و آثار نیکوی دیگری تألیف کرد. بکری بخش‌هایی از کتاب <i>مسالك افریقیه</i> را نقل کرده است.	ضبی، ۱۴۱؛ حمیدی، ۹۷؛ مقری، ۱۶۳/۳؛ نک. بکری، ۱۸۱/۲، ۱۸۴، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۲۸
۳ عُریب بن سعد قرطبی (متوفای ۳۶۹)	ادبیات، تاریخ، نجوم، پزشکی و داروشناسی	او از خاندان بنی التمرکی بود و به عنوان کاتب حکم المستنصر در دربار خدمت می‌کرد و به درخواست حکم چندین اثر تألیف کرد. او کتابی برای حکم در موضوع علم الانواء تألیف کرد. او کتاب <i>تقویم قرطبه</i> را به حکم تقدیم کرد که حاوی اطلاعات کشاورزی درباره درخت کاری و باغداری بود. این کتاب را نخستین کتاب در زمینه کشاورزی در اندلس دانسته‌اند که منشأ تحول در کشاورزی آن سرزمین شد. او تکمله تاریخ طبری را با عنوان <i>صله تاریخ الطبری</i> نوشت. عریب توجه خاصی به پزشکی داشت.	مقری، ۳۰۲/۲؛ پالنثیا، ۲۰۷- ۲۰۶، ۴۸۷؛ شهیدی پاک، ۲۰۵



۴	مطرف بن عیسی (متوفای ۳۷۷)	روایه حدیث، تاریخ و جغرافیا	او برای حکم کتابی با عنوان <i>المعارف فی اخبار کوره البیره و اهلها و بوادیهها و اقلیمها و غیر ذلک من منافعها</i> را تألیف کرد.	ابن بشکوال، ۵۸۷؛ عنان، ۴۹۵/۱
۵	ابوبکر محمد بن حسین اشیبلی (متوفای ۳۸۰)	امام در نحو، لغت و شعر	او در قرطبه ساکن بود و از مستنصر اجازه خواست تا به اشیبلیه برگردد اما خلیفه به او اجازه نداد. او کتاب <i>الایضاح</i> را تألیف و کتاب <i>العین خلیل</i> را مختصر کرد.	ضبی، ۶۶؛ ابن سعید مغربی، ۲۵۵/۱
۶	محمد بن یحیی معروف به ابن مفرج	ادبیات	ابن مفرج کتابی در ادبیات برای حکم گردآوری کرد.	ابن فرضی، ۱۰/۱
۷	عبدالله بن ابراهیم (متوفای ۳۹۲)	فقه تطبیقی	در زمان حکم وارد قرطبه شد و کتاب <i>بخاری</i> را برای مردم قرائت کرد. او کتابی نیز در اختلاف مالک و شافعی و ابی حنیفه با عنوان <i>الللائل علی امهات المسائل</i> تألیف کرد.	ابن فرضی، ۲۹۰/۱
۸	ابن سید	امام در لغت	او در ایام حکم کتاب معروفی با نام <i>کتاب العلم</i> تألیف نمود که حدود ۱۰۰ جلد شد.	حمیدی، ۴۰۵؛ ضبی، ۵۳۸
۹	یعیش بن سعید	حدیث	حکم به یعیش بن سعید دستور داد تا <i>مسند حدیث ابن الاحمر</i> را تدوین کند.	حمیدی، ۳۸۶؛ ضبی، ۵۱۵
۱۰	محمد بن أحمد بن محمد بن یحیی بن مفرج (متوفای ۳۸۰)	ادبیات و فقه	او به مشرق سفر کرد و چون بازگشت، نزد حکم جایگاه ویژه‌ای یافت و برای حکم چند دیوان تألیف کرد. او قاضی استجه و ریه شد و تا زمان مرگ حکم قاضی بود.	ابن فرضی، ۹۵/۲؛ مقری، ۱۲۲/۳
۱۱	ابو اصبع عیسی بن احمد معروف به رازی	ادبیات و تاریخ	او کتابی برای حکم در علم تاریخ نگاشت که مورخین بعدی به آن اعتماد می‌کردند.	ابن جلیجل، ۹۵
۱۲	ابو محمد قاسم بن اصبع	فقه	او کتاب <i>المجتنی</i> را در ابواب فقه برای حکم تألیف کرد.	ابن خیر اشیبلی، ۱۶۵

ابن فرضی، ۸۹/۱؛ مراکشی، ۲۹	او از اهالی ریه و آگاه به تاریخ اندلس بود و کتاب فی اخبار الاندلس را به دستور حکم تألیف کرده بود.	اخبار و تاریخ	ابوعبدالحمید اسحاق بن سلمه	۱۳
ابن فرج، ۱۲- ۱۱؛ ابن فرضی، ۱۵۵/۱	حکم در خصوص او می‌گوید: «اگر اهل مشرق به یحیی بن معین افتخار می‌کنند، ما به خالد بن سعد افتخار می‌کنیم». او برای حکم کتابی را در رجال اندلس تألیف کرد.	امام در علم حدیث	خالد بن سعد قرطبی (متوفای ۳۵۲)	۱۴
ابن بشکوال، ۶۲۸	او اهل علم، ورع و زهد و مورد حمایت حکم بود و کتاب‌های الخیرات فی الوصایا، المواعظ و الزهد و الرقاتی را تألیف کرد که مورد مراجعه مردم قرار داشت.	فقه	یحیی بن نجاح معروف به ابن قلاس	۱۵
ابن فرضی، ۶۹/۲	او از اهالی قرطبه و عالم به عربیت و زبان، حافظ اخبار، انساب، ایام و تواریخ بود. او نزد المستنصر جایگاه والایی داشت و کتاب‌هایی برای او تألیف کرد.	اخبار، انساب و تاریخ	محمد بن ابان (متوفای ۳۵۴)	۱۶
ابن فرضی، ۷۶/۲	از فقهای بجانیه بود و برای حکم کتاب المستخرج را تدوین کرد.	فقه	محمد بن عبدالله (متوفای ۳۶۳)	۱۷
مقری، ۱۵۰/۲	او در دربار حکم بود و به مشرق نیز سفر علمی داشت. او الکامل مبرد را از اخفش شنید. حکم درباره او گفت: «کتاب الکامل نزد ما صحیح نیست مگر اینکه از روایت ابن ابی علاقه باشد».	ادبیات	محمد بن ابی علاقه	۱۸
ابن بشکوال، ۲۸	او کتابی را درباره اندیشه‌های مالک به نام الاستیعاب در ۱۰۰ جزء برای حکم تألیف کرد.	مذهب مالکی	احمد بن عبدالملک معروف به ابن‌المکوی (متوفای ۴۰۱)	۱۹
حمیدی، ۴۰	حکم او را در علم حدیث تشویق به تألیف کرد. او تألیفات زیادی در فقه الحدیث و فقهای تابعین دارد که از جمله آنها می‌توان به فقه الحسن البصری در ۷ مجلد و فقه الزهیری در چندین جزء اشاره کرد. ابن مفرج کتاب مسند حدیث قاسم بن اصبح را برای حکم المستنصر جمع‌آوری کرد.	فقه الحدیث	محمد بن مفرج قاضی	۲۰

۲۱	محمد بن یحیی (متوفای ۳۸۰)	حدیث	او کتاب مسند حدیث قاسم بن اصبع را برای حکم گردآوری کرد.	ضبی، ۴۹
۲۲	یحیی بن سعید بن محمد وراق (متوفای ۳۹۴)	حدیث	او کتاب مسند حدیث ابن الاحمر را به دستور حکم تألیف کرد.	حمیدی، ۳۸۶
۲۳	ابوعمر احمد بن محمد بن فرج الجبانی	شعر و ادبیات	او از دانشمندان ادیب و شاعر بود که به جهت تخصصش در شعر و تلاش‌هایش در تألیف، مقرب دولت امویان در عصر ناصر و مستنصر بود. او از شرایط علمی و ادبی عصر حکم بهره برد و بسیار شعر می‌سرود و رابطه قوی با حکم داشت. او کتاب معروف الحقائق و کتاب الممتزین و القائمین بالاندلس و اخبارهم را برای حکم تألیف کرد.	ابن فرج، ۱۴؛ ضبی، ۱۵۱
۲۴	ربیع بن زید	علوم عقلی، نجوم، ادبیات عرب و لاتینی	نام لاتینی او ریشموند البیری و از اسقف‌های مستعربون بود. ربیع مورد توجه حکم و پدرش عبدالرحمن بود، زیرا در علوم فلسفی و فلک مهارت داشت و حکم نیز به این علوم علاقه‌مند بود. ربیع برای حکم کتاب تفصیل الزمان و مصالح الابدان را تألیف کرد.	مقری، ۱۸۶/۳؛ نعنعی، ۳۶۵؛ عنان، ۴۹۷/۱
۲۵	ابوبکر محمد بن عمر بن قوطیه (متوفای ۳۶۷)	حدیث، تاریخ، ادبیات و فقه	ابن قوطیه استاد ادبیات بود و اشعاری بسیاری سروده بود. بیشترین تألیفات او از جمله کتابهای الافعال و تصاریفها، شرح ادب الکاتب و المقصور و المملود در این موضوع است. ابوعلی قالی او را برجسته‌ترین عالم علم نحو دانسته است. ابن قوطیه درباره اخبار اندلس کتاب تاریخ افتتاح الاندلس را نگاشت.	ابن فرضی، ۷۹/۲؛ مقری، ۷۳/۳، ۱۷۱؛ دوزی، ۶۷/۲؛ ابن خیراشبیلی، ۴۳۶
۲۶	ابوعبیدالله الجبیری		او از دانشمندانی است که نزد حکم جایگاه و منزلت والائی داشت و با حکم در الزهراء ساکن شده و قضاوت بلنسیه و طرطوشه را برعهده گرفت.	قاضی عیاض، ۶۷

دعوت از دانشمندان سایر مناطق و حمایت از رجه‌های علمی

حکم از زمان ولایتعهدی نسبت به دانشمندان مناطق مختلف جهان اسلام توجه ویژه‌ای داشت و برخی از علمای برجسته را به اندلس دعوت کرد (ابن خیراشبیلی،



۴۰۳؛ ابن‌فرضی، ۸۳/۱). او در زمان خلافت نیز عطایا و بخشش‌های بسیاری به فقهای مناطق مختلف داشت. این امر موجب شد تا دانشمندان برجسته به‌ویژه ادیبان مشرق، به اندلس سفر کنند و به دربار حکم راه یابند. او مقدم دانشمندان را گرامی می‌داشت و علمایی را از بغداد و مصر و غیر آن به قرطبه دعوت می‌کرد. او دانشمندان را به تألیف آثار مختلف تشویق می‌کرد (قاضی صاعد، ۲۴۱). این رحله‌های علمی موجب انتقال علم و ادب به اندلس شد.

از برجسته‌ترین دانشمندان عراقی که به اندلس دعوت شد، ابوعلی اسماعیل قالی (متوفای ۳۵۶) است. حکم‌المستنصر در زمانی که ولیعهد بود به او نامه نوشت و او را ترغیب به سفر به اندلس و تألیف کتاب کرد. حکم او را بسیار احترام و اکرام کرد و به هارون‌بن‌موسی کاتب و وزیرش دستوراتی در این زمینه صادر کرد و گروهی را برای استقبالش فرستاد. ابوعلی اسماعیل قالی در زمان خلافت عبدالرحمن در سال ۳۳۰ به عنوان مهمان وارد اندلس شد و مورد توجه ویژه حکم قرار گرفت (ابن‌فرضی، ۸۳/۱؛ ابن‌خیر اشبیلی، ۴۰۳). ابوعلی کتاب *البارع* را که به لغت عرب اختصاص داشت و کتاب *فی المقصور و الممدود و المهموز* را که همانندی نداشتند، تألیف کرد. اهل اندلس، علم را از او به ارث بردند (مقری، ۳۸۶/۱؛ ضبی، ۲۳۳). مردم او را بغدادی و نیز قالی نامیدند، زیرا در سفر به بغداد با اهالی قالی قلی از نواحی دیاربکر همراه شده بود (مقری، ۷۲/۳). با ورود او، شهر قرطبه در مطالعات و پژوهش‌های ادبی و لغوی به شیوه بصریین، شکوفا شد، چرا که او در علم، روایت، لغت و فنون آن بسیار برجسته بود و شاگردان ممتازی را پرورش داد. آنان از استادشان ابوعلی، علوم ادبی را فراگرفته و نتایج علمی و فرهنگی شرق را در ادبیات و لغت به اندلس منتقل کردند. ابوعلی کتاب *الامالی* را به نام حکم‌المستنصر تألیف و به او اهداء کرد و حکم نیز او را بدین جهت ستایش کرد (ابن‌سعیدمغربی، ۱۸۶/۱؛ ابن‌فرضی، ۸۳/۱-۸۴؛ حمیدی، ۱۶۴؛ ابن‌خلدون، ۱۸۷/۲؛ مقری، ۷۲/۳). در واقع کتاب *الامالی* حاصل درس‌های ابوعلی در جامع قرطبه است که بعدها به صورت متن درسی درآمد (قاضی صاعد، ۲۰). او بسیاری از دیوان‌های دوره جاهلیت و عصر اموی و مجموعه‌های شعری مهم مانند شعر

ذی الرمه، عمر بن قمیئه الحطیئه، جمیل، ابی النجم فضل بن قدامه علقمه بن عبده، نابغه ذبیانی، شماخ بن ضرار، الاعشی میمون بن قیس، عروه بن الورد، نابغه الجعدی، اوس بن حجر، امرؤ القیس بن حجر کنندی و طرفه بن عبد را وارد اندلس کرد (ابن خیر اشبیلی، ۴۰۲-۴۰۳).

جدول شماره ۳: مهم‌ترین علمایی که به اندلس مهاجرت کرده و یا از اندلس به

مشرق ر حله علمی داشتند

منبع	معرفی اجمالی زندگی و ویژگی مهم علمی	نام دانشمند	
مقری، ۲/۲۱۸	از دانشمندان اهل اندلس که به مشرق سفر کرد و در شهرهای شام و عراق از ۲۳۰ شیخ حدیث شنید و در سال ۳۴۵ به اندلس بازگشت. او نزد حکم جایگاه والایی یافت و چند کتاب برای او تالیف کرد.	محمد بن احمد بن یحیی	۱
ابن فرضی، ۱/۱۷۷-۱۷۶؛ مقری، ۲/۶۳۲	او از اهالی تطیله بود که به مشرق سفر کرد و سپس به اندلس آمد. او فردی دانشمند و ثقة بود که مردم برای سماع حدیث به نزد او به تطیله می آمدند. مستنصر مقدمش را گرامی داشت و از او حدیث بسیاری شنید. ابن فرضی از نوشته‌ای به خط المستنصر درباره زکریا و گماشته شدن او به منصب قضا در رمضان ۳۳۷ یاد کرده است.	زکریا بن خطاب	۲
ابن فرضی، ۱/۴۰۳	قاسم به همراه پدرش ثابت بن دینار به شرق سفر کرد و از دانشمندان شرق حدیث شنید. او به جمع حدیث و علم لغت پرداخت و پس از بازگشت، دانش بسیاری را به اندلس انتقال دادند. گفته شده که این دو، نخستین کسانی بودند که کتاب العین را به اندلس بردند. قاسم کتابی در شرح حدیث با عنوان کتاب اللائل نوشت که در نهایت وثوق بود و همانند آن در اندلس نوشته نشده بود. مستنصر به خط خودش نوشت: «قاسم بن ثابت در سال ۳۰۲ در سرقسطه از دنیا رفت و او عالم، زاهد و نیکوکار بود».	قاسم بن ثابت و پدرش ثابت بن دینار	۳
ابن فرضی، ۱/۱۴۳	او از اهالی قیروان است و در اوایل حکومت حکم به اندلس وارد شد. حکم او را گرامی داشت و از دیوان قریش به او عطایایی پرداخت کرد.	حکم بن محمد بن هشام	۴
ابن خیر اشبیلی، ۵۰۰	او از اهالی حلب بود و از علمای شام و مصر نقل روایت می‌کرد. حکم به دنبال او فرستاد و برایش امکانات بسیاری فراهم کرد و افراد بسیاری از او علم آموختند.	ابوالحسین بن عباس	۵

۶	هاشم بن حسین	او از نسل امام علی <small>علیه السلام</small> است و در لبله ساکن شد. محل سکونتش به نام منازل هاشمی شناخته می‌شد. حکم در کتابش <i>أنساب الطالبیین والعلویین القادمین الی المغرب</i> شرح احوال او را آورده است.	مقری، ۶۰/۳
۷	عبدالعزیز بن حسین	وی حدود سال ۳۲۰ به اندلس وارد شد و کتاب‌هایی درباره زهد نگاشت. حکم بر آثار او تعلیقه نوشت.	ابن بشکوال، ۳۵۶
۸	عبدالملک بن محمد	عبدالملک از خاندان اموی و از اهالی بیت المقدس است. او در سال ۳۶۰ وارد اندلس شد و مورد توجه حکم قرار گرفت و به او عطایایی داد.	ابن فرضی، ۳۱۸/۱
۹	ابومضر محمد بن حسین تمیمی (متوفای ۳۹۴)	ابومضر از خاندان الطنبی و دانشمند پر آوازه دربار مستصیر بود که در سال ۳۳۱ به اندلس سفر کرد.	ضبی، ۶۹؛ ابن سعید مغربی، ۲۰۶/۱-۲۰۷
۱۰	ابواسحاق محمد بن قاسم	او از اهالی مصر بود و به دعوت حکم به اندلس آمد.	ابن ابار، ۲۰۱/۱
۱۱	احمد بن محمد معافری معروف به قشطلبی	احمد از دانشمندان ذوفنون در فقه، حدیث، عربیت و لغت بود او به شرق سفر کرد و علمای شرق و اندلس را ملاقات کرد.	قاضی عیاض، ۱۱/۷
۱۲	علی بن محمد (۲۹۹-۳۷۷)	علی از اهالی انطاکیه بود و در سال ۳۵۲ وارد اندلس شد. او نزد حکم ساکن شد و جایگاه والایی کسب کرد. او به علم قرائت تبحر داشته و در این زمینه کسی از او قوی‌تر نبود. وی از دانشمندان شام و مصر و غیر آن روایت شنید و علم فراوانی را در قرائت به اندلس وارد کرد. او به ادبیات و علم حساب و فقه شافعی آگاهی داشت.	ابن فرضی، ۳۶۱/۱
۱۳	ابوعمر محمد بن یوسف بن یعقوب کندی	ابوعمر از مصر به اندلس وارد شد و جایگاه علمی قوی در قرطبه کسب کرد.	ابن ابار، ۲۰۱/۱





۲۳۷؛ الحشنى، حميدى، ۳۴۸؛ ضبي، ۴۶۵-۴۶۶؛ پالشتيا، ۹	او در دوران حکم قضاوت می‌کرد و فردی عالم، فقیه، ادیب، بلیغ و خطیب بود. زمانی که فرستاده روم نزد حکم آمد، او خطبه خواند. بلوطی به مذهب ظاهری معتقد بود.	قاضی ابوالحکم منذر بن سعید معروف به البلوطی (متوفای ۳۵۵)	۱۴
ابن فرضی، ۲۰۶/۲	ادیب از اندلس به مشرق سفر کرد و ۱۰ سال در مصر اقامت‌گزید تا از شیوخ آن دیار علم بیاموزد. او کتاب‌های طبری (متوفای ۳۱۰) از جمله تفسیر القرآن و تاریخ الطبری را به اندلس منتقل کرد، همچنین نسخه‌ای از کتاب شافعی‌الکبیر در ۱۱۰ جلد را برای حکم تدوین کرد. همچنین او کتاب الأموال قاسم بن سلام (متوفای ۲۲۳) را نسخه‌نویسی کرد.	ادیب یوسف بن محمد بن سلیمان همدانی (متوفای ۳۸۳)	۱۵
ابن سعید مغربی، ۱۴۴/۱-۱۴۵	ابوبکر از دانشمندانی است که از مشرق مهاجرت کرد و در دربار حکم ساکن شد.	ابوبکر محمد بن بشیر مغافری	۱۶
ابن فرضی، ۳۴۳/۱	عباس از سیسیل به اندلس آمد. او در ردیه بر مذاهب و نیز علم کلام تخصص داشت.	عباس بن عمرو بن کنانی	۱۷
ابن فرضی، ۳۷۷/۱	او از اهالی شذونه بود که به مشرق سفر و از علمای مشرق کسب فیض کرد، سپس به اندلس وارد شد و المستنصر او را قاضی اشونه و اطرافش کرد.	عیسی بن عبدالرحمن	۱۸
ابن فرضی، ۸۵/۲	محمد از قرطبه به مشرق رفت و سپس به اندلس بازگشت. او در نحو، لغت و بلاغت متبحر بود. حکم او و برادرش را به منصب قضای ثغر اعلی گماشت.	محمد بن علی (متوفای ۳۷۲)	۱۹
ابن فرضی، ۸۲/۲	او از بجان به مشرق سفر کرده و از علمای مکه و مصر حدیث شنید. پس از بازگشتش به قرطبه، حکم مقدم او را گرامی داشت.	محمد بن فرح بن سبعون (متوفای ۳۶۷)	۲۰
ابن فرضی، ۴۱۱/۱	قاسم اصلاً طرطوشی است و مدت ۱۳ سال را در مشرق گذراند. او سپس به اندلس بازگشت. او فقیه و عالم بوده و در فقه مناظراتی داشت.	قاسم بن خلف (متوفای ۳۷۱) معروف به جبیری	۲۱

مهمترین علوم مورد توجه حکم المستنصر

۱- ادبیات عرب

حکم به علوم ادبی توجه ویژه‌ای داشت. این امر باعث شد تا ادبیات رشد بسیاری پیدا کرده و بازار شعر و شاعران پر رونق گردد. حکم خود نیز شعر می‌سرود. اشعار زیر که به شیوه تغزل است، از جمله سروده‌های حکم است:

إلی الله أشکو من شمائل مترفٍ	علی ظلوم لا یدین بما دنت
نأت عنه داری فاستزاد صدوده	وإئی علی وجدی القدیم کما کنت
ولو کنت أدری أن شوقی بالغٌ	من الوجد ما بلغته لم أکن بنت
عجبت وقد ودعتها کیف لم أمت	وکیف اثنت بعد الوداع یدی معی
فیا مقلتی العبری علیها اسکبی	دماً ویا کبدی الحرّی علیها تقطعی ^۱

(ابن ابار، ۲۰۳/۱؛ ابن سعید مغربی، ۱۸۶/۱؛ مقرئ، ۳۹۵/۱).

ابن ابار (۲۰۵/۱) اشعار حکم را توضیح داده است. برخی نیز اشعار حکم را به خط خودش دیده و ثبت کرده‌اند (ابن دحیه کلبی، ۱۳؛ حمیدی، ۱۰۱).

دیوان‌های شعر و مختارات دیوان‌ها در نزد حکم جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. در زمان او از هر نوع ابداع ادبی استقبال و کتاب‌هایی در اخبار شعراء اندلس گردآوری شد. به دستور حکم اخبار شعراء البیره در حدود ۱۰ جزء و کتاب شعر ابن عبدربه در بیست و اندی جلد گردآوری شد. حکم نسبت به سروده‌هایی در خصوص بنی‌امیه توجه ویژه‌ای

۱. به سوی خداوند شکوه و شکایت می‌برم از خصلت‌های آنکه در ناز و نعمت زندگی می‌کند. او بر من بسیار ستم روا می‌دارد و به آنچه من بدان اقرار و باور دارم ایمان و اعتقادی ندارد. منزلگام از وی دور است با این وجود، بیشتر خواهان روی برتافتن از من است. من همچنان شور و شوق گذشته‌ام را دارم و آنگونه هستم که بودم. و اگر می‌دانستم اشتیاقم به همان حدی از وجد و شوق است که به آن رسیده‌ام، جدا نمی‌گشتم. در حالی که او را (معشوقه) وداع می‌گفتم در شگفت بودم که چرا جان نسپردم. و چگونه دستانم پس از وداع همراه با من برگشت. حال ای دیدگان گریان من، بر او خون بگریید. و ای قلب سوزان من، در فراق او تکه تکه گردید.

داشت و ادیبان را تشویق به این امر می‌کرد. از جمله احمد بن فرج جیانی (متوفای ۳۶۳) عالم به علم لغت و شعر و مقدم شاعران در عهد اموی بود. حکم او را به زندان انداخت و او در زندان اشعار بسیاری سرود (ابن‌بسام، ۵۶۸/۱). او برای خلیفه کتاب *الحدائق* را در اشعار اندلسی‌ها در ۱۰۰ باب تألیف کرد و در هر بابی ۱۰۰ بیت قرار داد و آن را همانند کتاب *الزهره* از ابوبکر محمد بن داوود اصفهانی که درباره بنی‌عباس سروده بود، تألیف کرد. او اشعار و رسائلی نیز برای حکم سرود (حمیدی، ۱۰۴؛ ابن‌دحیه کلبی، ۴؛ ابن‌بشکوال، ۱۱؛ ابن‌ابار، ۳۹/۱). ابن‌ابار (۲۵۴/۱، ۲۰۵) از *الحدائق* نقل قول‌هایی آورده است. کتاب *الحدائق* از مشهورترین تألیفات است که فقط سروده‌های شاعران اندلسی را دربرداشته و در آن به بیان تأثیر اندلس در ساخت تمدن اسلامی و اثبات توانایی دانشمندان و ادیبان اندلس پرداخته شده است (ابن‌فرج، ۱۷-۱۵؛ ۱۱-۱۲).

جدول شماره ۴: ادیبان و شاعران

منبع	معرفی اجمالی زندگی و ویژگی مهم علمی	نام شاعر	
ابن‌عداری، ۲۵۷/۲	او از استادان ادبیات و دانشمندان برجسته اندلس و مقرب حکم بود.	محمد بن ابی عامر	۱
ابن‌فرج، ۸۶؛ قاضی صاعد، ۲۴۵	اسماعیل از شاعران و عالمان عصر ناصر و حکم بود. او ناصر را مدح و برای بیعت المستنصر اشعاری سرود و در زمان حکم جایگاه ویژه‌ای داشت.	اسماعیل بن بدر	۲
ضبی، ۳۸۵	شاعر و ادیب در دوره حکم.	عبدالعزیز بن عبدالرحمن	۳
حمیدی، ۵۰	شاعر و ادیب مشهور و مورد حمایت حکم.	محمد بن حسین تمیمی	۴
مراکشی، ۲۹	مقدم شاعران دربار حکم.	ابوعمر	۵
حمیدی، ۳۹۲	شاعر و نویسنده دربار حکم.	ابوبکر المغیلی	۶
ابن‌بشکوال، ۲۳۷	عبدالله از اشراف قرطبه است. او در کتابی با زبان شعر، خلفای بنی‌امیه را مورد توجه قرار داد و محبوب حکم شد.	عبدالله بن محمد (۲۸۵-۳۵۲)	۷

حمیدی، ۲۶۷؛ ضبی، ۳۵۳	شاعر برجسته دربار حکم.	عبدالله بن یعقوب اعمی معروف به عبود	۸
ابن فرضی، ۹۲/۲	از ادیبان و شاعران اشبیلیه بود و حکم او را برای تدریس و تربیت فرزندش هشام و نیز قضاء اشبیلیه به‌کارگرفته بود.	محمد بن حسن (متوفای ۳۷۷)	۹
ضبی، ۴۹۶- ۴۹۳	او از ادیبان برجسته و مورد توجه حکم بود و در مدح او شعر سروده بود.	یوسف بن هارون کندی معروف به الرمادی	۱۰
ابن فرضی، ۲۷۲/۱	عبدالله از عالمان حدیث و ادب و قاضی البیره و بجان و احکام الشرطه بود.	عبدالله بن محمد (متوفای ۳۵۱)	۱۱
ابن بشکوال، ۴۵	احمد از دانشمندانی است که از موالی حکم به شمار می‌آمد و در نحو، لغت، شعر و عروض تخصص داشت.	احمد بن عبدالله بن بدر (متوفای ۴۲۳)	۱۲
ابن حزم، جمهره، ۱۰۴	محمد مقرب حکم بود و حکم به او اکرام و احترام می‌کرد.	محمد بن احمد	۱۳
ضبی، ۱۴۴- ۱۴۵	از شاعران دربار حکم.	محمد بن یحیی النحوی	۱۴
مقری، ۲۹۰/۴؛ عنان، ۴۹۶/۱	حکم نسبت به زنان دانشمند عنایت داشت. در اندلس کسی از نظر علم، فهم، ادب، شعر و فصاحت از عایشه برتر نبود. او ملوک اندلس را مدح می‌کرد. عایشه کتابخانه شخصی غنی داشت.	عایشه بنت احمد بن قادم القرطبی (متوفای ۴۰۰)	۱۵

۲- علم انساب

یکی از تخصص‌های مهم حکم، علم انساب و شناخت رجال بود. او از هر سرزمینی آگاهی داشت (ابن خطیب، ۴۲-۴۱) و کتابی در این موضوع با عنوان *انساب الطالبیین والعلویین القادمین الی المغرب* تألیف کرد (مقری، ۶۰/۳). از محتوا و مطالب آن کتاب اطلاعی در دست نیست. «نگاشته‌های او درباره علم انساب نزد اهل علم حجت بود؛ زیرا او عالم به انساب بود» (ضبی، ۱۴۸-۱۴۹). ابن‌ابار (۲۰۱/۱-۲۰۲) می‌گوید: «من بخش مفیدی از دست خط حکم را در اختیار دارم و آن بخش مشتمل بر فوائد بسیاری در علوم مختلف بود. حکم بسیاری از انساب مردم کشورش را ثبت و مردم منطقه را

مأمور کرد که هر فرد عربی را که به خود ملحق نمایند، نام او را در کنار مولایش بگذارند و نسب آنها را نزد اهل علم انساب تصحیح نمایند. همچنین با بهره‌گیری از کتاب‌ها و آثار علم انساب، هر صاحب نسبی را به نسبش برگردانند. او به انساب مولفین آثاری که مطالعه می‌کرد، آگاهی داشت و این به جهت مطالعه بسیار و توجه به آثار علم انساب بود (مقری، ۳۹۵/۱). تسلط حکم بر علم انساب تا آن اندازه بود که ابن حزم می‌گوید: «من بیشتر از آنچه را که حکم المستنصر درباره علم انساب نوشته، نمی‌شناسم» (ابن حزم، جمهره، ۸۸).

دست خط حکم برای تراجم نگاران اندلس حجت به‌شمار می‌آمد؛ چرا که او عالم به این موضوع بود (حمیدی، ۱۰۱؛ مقری، ۳۹۵/۱). ارجاعات متعددی از سخنان حکم در شرح انساب افراد در منابع دیده می‌شود (نک. ابن فرضی، ۱۵۱/۱، ۲۶۶، ۱۴۷، ۱۴۲/۲؛ ابن جلجل، ۶۹-۷۰، ۹۵؛ ابن حزم، جمهره، ۳۹۹، ۴۰۸، ۴۲۴؛ مقری، ۶۶/۳). ابن خیر اشبیلی (۱۷۰، ۲۴۳-۲۴۴) نیز از روی دست خط حکم، شرح احوال برخی دانشمندان را ثبت کرده است. به جهت همین تبحر حکم در علم رجال، ابن فرضی به او اعتماد کرده و نظرات او را در شرح حال‌های فراوانی نقل کرده است (نک. ابن فرضی، شرح حال‌های شماره ۳، ۴، ۲۶، ۳۴، ۶۶، ۸۸، ۱۱۲، ۱۱۴، ۲۲۵، ۲۲۹، ۳۰۲، ۳۰۹، ۴۰۵، ۴۰۶).

۳- پزشکی، نجوم، ریاضیات و کیمیا

حکم به علم پزشکی توجه خاصی داشته و از پزشکان حمایت می‌کرد. در منابع گزارش‌هایی از وجود دیوان الاطباء در زمان حکم مطرح شده است (ابن جلجل، ۱۱۰؛ قاضی صاعد، ۲۶۴؛ ابن ابی‌اصیبه، ۴۹۲). ابن جلجل (در گذشته نیمه دوم قرن چهارم) داستان داروی حرانی را در اندلس به خط حکم المستنصر دیده و نقل کرده است (ابن جلجل، ۹۵). حکم به چشم پزشکی نیز توجه داشت. از جمله چشم پزشکان معروف آن دوره، غمر و احمد پسران یونس بن احمد حرانی بودند. این دو برادر در زمان عبدالرحمن الناصر به مشرق سفر کرده و ده سال آنجا ماندند. آنان در بغداد کتاب‌های جالینوس را نزد ثابت بن سنان خوانده و در خدمت ابن‌وصیف به عنوان

چشم‌پزشک خدمت کردند. آنها در زمان حکم در سال ۳۵۱ به اندلس بازگشته و به پزشکی مشغول شدند. حکم آن دو نفر را از برگزیدگان پزشکان خود قرار داد و در مدینه الزهرا سکنا داد (قاضی صاعد، ۲۶۵). آنان در نبرد سنت استبین^۱ در سال ۳۵۴ به همراه حکم شرکت کرده و به خدمت پزشکی پرداختند. در همین دوره عمّر از دنیا رفت و برادرش احمد تا پایان زندگی حکم در خدمت او بود. حکم، احمد را در مدینه الزهراء اسکان داد و مسئولیت کتابخانه تخصصی پزشکی در قصر را برعهده او گذاشت. او در خصوص ادویه مفرده متبحر بود و شربت‌ها و معجون‌هایی را تهیه‌کرد (ابن‌جلجل، ۱۱۳) و در چشم پزشکی درمان‌های شگفتی انجام داد. در قرطبه آثار عجیبی از او ذکر شده‌است (قاضی صاعد، ۲۶۵). او مردم را رایگان درمان می‌کرد و سرانجام به علت تب و اسهال درگذشت (ابن‌جلجل، ۱۱۳).

جدول شماره ۵: پزشکان

منبع	معرفی اجمالی زندگی و ویژگی مهم علمی	نام پزشک
ابن‌جلجل، ۱۱۵؛ قاضی صاعد، ۲۶۵-۲۶۶؛ ابن‌ابی‌اصیبعه، ۴۹۳؛ مقرئ، ۲/۲۴۴؛ قاضی صاعد، ۲۶۶	او در سال ۳۴۷ به مصر و بصره رفت و پزشکی را فراگرفت و به امور بیمارستان آگاهی یافت. سپس در سال ۳۶۰ به اندلس به خدمت حکم و فرزندش هشام درآمد. وی پیش از اینکه پزشک شود، حساب و هندسه را آموخت و در علم پزشکی سرآمد شد. او احکام و غوامض آن را به خوبی آموخته بود. کتاب فی‌التکسیر (شکسته بندی) از آثار اوست. اهمیت وی تا آن اندازه بود که تا پایان دولت عامریه، پزشکان و صنعت پزشکی تحت تاثیر او بود.	محمد بن عبدون العذری



<p>پالئثیا، ۲۰۷- ۲۰۶</p>	<p>او به درخواست حکم، کتاب <i>خلق الجنین و تدبیر الحبالی و المولودین</i> را درباره جنین شناسی، ولادت، ضروریات تدبیر زنان باردار، نوزادان، کودکان و بیماری‌های آنان و کتاب <i>فی عیون الادویه</i> در مباحث پزشکی را تألیف کرد. عریب را یکی از سه پزشک مسلمان می‌داند که به طب اطفال پرداخت.</p>	<p>عریب بن سعد قرطبی</p>	<p>۲</p>
<p>ابن ابی اصیبعه، ۴۹۱؛ ابن فرضی، ۷۴/۲؛ قاضی صاعد، ۲۶۴</p>	<p>او در پزشکی، نحو، لغت، شعر و روایه متبحر بود. او از پزشکان متبحر زمان حکم بود و نزد او جایگاه والایی داشت. او منصب شرطه را برعهده گرفت.</p>	<p>محمد بن تملیح (متوفای ۳۶۱)</p>	<p>۳</p>
<p>ابن ابی اصیبعه، ۴۹۲؛ ابن جلیجل، ۱۱۰؛ قاضی صاعد، ۲۶۴</p>	<p>احمد از پزشکان متبحر، دقیق النظر و آگاه به منطق و بسیاری از علوم فلسفی بود. او به حکم خدمات پزشکی ارائه می‌داد.</p>	<p>احمد بن حکم بن حفصون</p>	<p>۴</p>
<p>ابن جلیجل، ۱۱۰؛ ابن ابی اصیبعه، ۴۹۲</p>	<p>احمد از پزشکان دوره حکم است که خدمات پزشکی به حکم ارائه می‌داد و در عصر هشام نیز از جایگاه والایی برخوردار بود. فرزندان الناصر همگی در بزرگداشت او و شناخت جایگاهش اهتمام داشتند. او نزد بزرگان مورد اعتماد بود. او به خط خودش کتاب‌های بسیاری را در طب و فلسفه نگاشت و طولانی عمر کرد.</p>	<p>احمد بن جابر</p>	<p>۵</p>
<p>ابن جلیجل، ۱۱۱؛ ابن ابی اصیبعه، ۴۹۲؛ قاضی صاعد، ۲۶۴</p>	<p>ابوعبدالملک پزشک و عالم به کتاب اقلیدس و علم عدد، هندسه و مساحت بود. او پزشک دربار ناصر و مستنصر بود و در طب نوآوری داشت. او در اواخر عمرش به جهت آبی که در چشمش ریخته شد، نابینا شد.</p>	<p>ابوعبدالملک التقفی</p>	<p>۶</p>
<p>ابن ابی اصیبعه، ۵۳۵</p>	<p>ابوالعلاء از پزشکان متبحر دربار المستنصر در اشبیلیه بود.</p>	<p>ابوالعلاء بن ابی جعفر احمد بن حسان</p>	<p>۸</p>

۹	ابومحمد شذونی	ابومحمد از اهالی اشبیلیه و فردی متخصص در علم هیئت و حکمت بود و به علم پزشکی به شیوه عبدالملک بن زهر اشتغال داشت. او مدتی ملازم حکم بود و در علاج بیماری‌ها شهرت داشت.	ابن ابی اصیبعه، ۵۳۵
۱۰	ابوبکر بن قاضی	ابوبکر از پزشکان عصر حکم بود که در ابتدا به شطرنج اشتغال داشت و پس از چندی به پزشکی روی آورد.	ابن ابی اصیبعه، ۵۳۶
۱۱	حرانی	حرانی یکی از پزشکان مطرح دربار حکم بود. حکم به خط خود درباره برخی نظرات پزشکی او و داروی معروف به <i>المعیت الکبیر</i> مطالبی نگاشته بود.	ابن ابی اصیبعه، ۴۸۶
۱۲	ابوموسی هارون الاشونی	الاشونی در زمان ناصر و مستنصر پزشکی می‌کرد. او به حرم‌سرا و منزل بانوان پیوست و از شیوخ پزشکان و برگزیدگان آنان شد.	ابن جلیجل، ۱۱۲
۱۳	ابوجعفر احمد بن سابق	ابوجعفر از شاگردان ابوالولید بن رشد بود که در خدمت الناصر و حکم پزشکی می‌کرد.	ابن ابی اصیبعه، ۵۳۷
۱۴	ابوالولید محمد بن حسین معروف ابن کنانی	ابن کنانی در معالجه نیکو، رازدار و دوستدار مردم و در خدمت الناصر و حکم بود.	ابن جلیجل، ۱۰۹؛ قاضی صاعد، ۲۶۴
۱۵	حسدای یهودی	او طبیب مخصوص حکم بود.	عنان، ۴۹۶/۱

حکم همچنین به علوم مختلف توجه داشت. او ریاضی‌دانان و منجمان را آزاد گذاشت تا علوم‌شان را گسترش دهند. به این ترتیب تدریس این علوم در بین مردم شایع شد و از آن زمان مدرسه ریاضی و نجوم مشهور به مدرسه مسلمه مجریطی (متوفای ۳۹۸) در اندلس شروع به کار کرد. مسلمه در رأس مکتب ریاضی نجومی قرار دارد و اساس کار او بر مبنای روش خوارزمی بنا شده است (شهیدی پاک، ۲۰۰).



جدول شماره ۶: ریاضی‌دانان و منجمان

منبع	ویژگی مهم و تخصص	نام دانشمند	
قاضی صاعد، ۲۴۴	ابوبکر از دانشمندان علم عدد، هندسه و نجوم است که در زمان حکم این علوم را آموزش می‌داد.	ابوبکر بن ابی عیس	۱
قاضی صاعد، ۲۴۵	اسماعیل از دانشمندان متقدم در علم هندسه بود که به صناعت منطق توجه نشان می‌داد. تالیف مشهور او <i>فی اختصار الکتب الثمانيه المنطقيه</i> است. او در شعر و عربیت نیز تخصص داشت و در زمان حکم اعتبار ویژه‌ای به دست آورد.	اسماعیل بن بدر معروف به اقلیدسی	۲
قاضی صاعد، ۲۴۴	عبدالله عالم به عدد و هندسه بود و کتاب <i>المسبع</i> را نگاشت. او فقیه، امام در نحو و لغت بود و صناعت کیمیا به او منسوب بود. حکم او را بزرگ می‌داشت.	عبدالله بن عبیدالله معروف به السری	۳
پالنتیا، ۲۰۷-۲۰۶؛ مقری، ۳۰۲/۲	عرب تقویم قرطبه با نام <i>الانواء</i> را برای حکم تألیف کرد. او این اثر را با حروف عبری و به زبان عربی در سال ۳۴۹ نگارش کرد.	عرب بن سعد قرطبی	۴
شهیدی پاک، ۲۰۰	محمد پزشکی، ریاضی‌دان و منجم قرن چهارم بود که قدیم‌ترین متن ریاضی اندلس، رساله‌ای منتشر نشده درباره مساحت زمین (تکسیر) به قلم او است.	محمد بن عبدون	۵

تسامح و تساهل نسبت به مذاهب و ادیان مختلف

حکم المستنصر به دانشمندان علوم مختلف آزادی عمل داد. او با تسامح و تساهل نسبت به مذاهب و ادیان مختلف، باعث رشد و رونق علمی و تضارب آراء شد. آزاد اندیشی او از تمامی خلفای اندلس بیشتر بود. علم فلسفه در عصر حکم مورد توجه قرار گرفت. خلیفه خود در مجلس احمد بن عبدالوهاب بن یونس که آرای منحرف معتزلی داشت، حاضر می‌شد تا دیگر دانشمندان نیز از عقل در استحکام شرع و عقیده بهره بگیرند (پالنتیا، ۱۱-۱۰). در زمان پسر او هشام المویذ بالله و حاجبش ابن‌ابی‌عامر، مخالفت با فلسفه و علوم حکمی آغاز شد و کتاب‌های این علوم از کتابخانه‌ها جمع‌آوری و سوزانده شد. ابن‌ابی‌عامر این کار را برای جلب محبت عوام اندلس انجام داد. آنها کتاب‌های حکمت را، کفر و مخالف شریعت می‌دانستند. این دشمنی‌ها تا پایان دوره امویان ادامه داشت (شهیدی پاک، ۲۱۶).



در دوره حکم، غیر مسلمانان به‌ویژه مسیحیان نیز آزادی عمل داشتند. یکی از دانشمندان مسیحی که اجازه فعالیت یافت، ربیع بن زید بود. او اسقف بود و در نجوم، ریاضیات، فلسفه و الهیات تخصص داشت و از نزدیکان حکم به‌شمار می‌رفت. خلیفه او را به مأموریت‌های مهم به سفارت می‌فرستاد و در روابط خارجی از او کمک می‌گرفت. همچنین او را در مجالس علمی خود شرکت داده، به شروح او گوش می‌کرد و با آراء و نظریاتش انس می‌گرفت (نعنعی، ۳۶۵). ربیع برای حکم کتاب *تفصیل الزمان* و *مصالح الابدان* را تألیف کرد (مقری، ۱۸۶/۳). این کتاب تا امروز باقی است و موضوع آن تقویم نجومی زراعی است. در آن کتاب منزل‌گاه‌های ماه ذکر شده و به احتمال توسط ژرارد کرمونایی ترجمه شده است (پالنتیا، ۴۸۷).

در زمان الناصر (حک. ۳۰۰-۳۵۰)، توطئه‌ای بر ضد او با همکاری تعدادی از علمای شافعی توسط پسرش عبدالله برای خلع حکم از ولایتعهدی صورت گرفت. عبدالرحمن پسرش عبدالله را به همراه برخی از شافعیان به قتل رسانده و بر شافعیان سخت‌گیری کرد (پالنتیا، ۴۳۴). در زمان خلافت حکم دانشمندان شافعی از فشار شدید حکومت رهایی یافته و مورد حمایت دولت قرار گرفتند. برخی از آنان به مذهب معتزله گرویدند. در کتابخانه حکم نسخه‌ای از کتاب *الأم* شافعی نگهداری می‌شد (همان، ۱۱).

جدول شماره ۷: برخی از دانشمندان برجسته شافعی

منبع	ویژگی مهم	نام دانشمند	
ابن فرضی، ۱۱۶/۲؛ پالنتیا، ۴۳۶	ابوالطیب از برجسته‌ترین دانشمندان شافعی مذهب در اندلس بود. او که در بغداد درس خوانده بود در ۳۶۱ به اندلس وارد شده و مورد اکرام حکم قرار گرفت و فقهاء به او روی آوردند.	أبو الطیب محمد بن احمد ابی‌برده شافعی بغدادی	۱
ابن خیراشبیلی، ۴۳۹	ابوسلیمان از دانشمندان شافعی بود که به شرق رفت و سپس به اندلس بازگشت. او کتاب‌های بسیاری را روایت کرد و مورد عنایت حکم قرار گرفت و در الزهراء ساکن شد. او را به نام زهراوی می‌شناختند.	ابوسلیمان عبدالسلام بن السمح	۲

۳	عبدالله بن ابراهیم (متوفای ۳۹۲)	عبدالله در زمان حکم وارد قرطبه شد و کتاب بخاری را برای مردم قرائت کرد. او کتابی در اختلاف مالک و شافعی و ابی حنیفه با عنوان <i>الدلائل علی امهات المسائل</i> را تالیف کرد.	ابن فرضی، ۲۹۰/۱
۴	عبیدالله بن عمر (متوفای ۳۶۰)	او اهل بغداد بوده و آثار متعددی در فقه، فرائض و غیر آن در مذهب شافعی و مالکی تالیف کرده و در سال ۳۴۷ وارد اندلس شد. حکم او را در قرطبه سکنا داد و امکانات علمی برایش فراهم کرد. او تا آخر عمرش در اندلس ساکن بود.	ابن فرضی، ۲۹۷/۱-۲۹۵
۵	یوسف بن محمد (متوفای ۳۸۳)	او از دانشمندانی است که رحله‌های علمی به مشرق داشته و چون به اندلس بازگشت مورد اکرام حکم قرار گرفت. او کتاب <i>الشافعی</i> را در ۱۲۰ جزء به خط خودش نگاشته و نسخه‌ای را به حکم اهداء کرد.	ابن فرضی، ۲۰۶/۲

نتیجه

در بین فرمانرویان اندلس، حکم المستنصر توجه بیشتری به علوم، دانشمندان، نهادهای آموزشی، کتاب و کتابخانه داشت. دربار حکم المستنصر با حضور علمای برجسته عالم زینت یافت. در نتیجه سیاست جذب و حمایت گسترده از دانشمندان مناطق مختلف جهان اسلام، اندلس و شهر قرطبه، کعبه آمال علما شد و تعداد فراوانی از آنان از مناطق مختلف به‌ویژه از عراق و شام به اندلس مهاجرت کردند. در دربار حکم اهل علم، وراقان، نسخه‌نویسان و کاتبان بسیاری حضور داشتند. همچنین در نتیجه توجه به کتاب، قرطبه از مهم‌ترین مراکز علمی و کتابخانه‌ای عالم اسلام شد. آثاری که در مشرق عالم اسلام از جمله در شام تألیف شده بود، پیش از آنکه در مشرق منتشر شود، به اندلس منتقل می‌شد. برای نمونه می‌توان به کتاب *الآغانی* ابوالفرج اصفهانی اشاره کرد. آزادی اندیشه، تسامح و تساهل باعث شد تا علمای علوم مختلف از جمله فلاسفه و علمای مذاهب مختلف، به‌ویژه شافعیان، آزادی عمل پیدا کرده، امکان تضارب آراء داشته باشند. این امر موجب شد تا تکاپوهای وسیع علمی و تألیف آثار متعدد در موضوعات مختلف، به وجود آید و در بین عموم مردم توجه به کتاب،



مطالعه و روی آوردن به علم اهمیت ویژه‌ای پیدا کند؛ به گونه‌ای که بسیاری از مردم به قرائت، کتابت علوم مختلف روی آوردند. نهادهای آموزشی گسترش یافت و در بین مردم جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. برخی از برجسته‌ترین علما در علوم مختلف در اندلس به تدریس پرداختند و هزاران دانشجو برای فراگیری به نزد آنان آمده و بازار علوم بسیار رونق گرفت. اقتدار سیاسی امویان نیز در شکوفایی علمی و تمدنی اندلس تأثیر بسزائی داشت.

منابع

- ابن ابار، محمد بن عبدالله بن أبي بكر القضاعي البندسي، الحله السيرة، تحقيق حسين مونس، قاهره، دار المعارف، ۱۹۸۵.
- ابن ابي اصيبعه، ابوالعباس موفق الدين احمد بن القاسم، عيون الانباء في طبقات الاطباء، تحقيق نزار رضا، بيروت، دار مكتبة الحياة، بی تا.
- ابن القوطيه، ابوبكر محمد بن عمر، تاريخ افتتاح الاندلس، تحقيق ابراهيم الابياري، بيروت، دارالكتاب اللبناني، ۱۴۰۱.
- ابن بسام، أبو الحسن علي الشنتري، الذخيره في محاسن اهل الجزيره، محقق إحسان عباس، ليبيا، الدار العربيه للكتاب، ۱۹۸۱.
- ابن بشكوال، أبو القاسم خلف بن عبد الملك، الصله في تاريخ أئمة الاندلس، تصحيح السيد عزت العطار الحسيني، بيروت، مكتبة الخانجي الطبعة الثانيه، ۱۳۷۴.
- ابن جلجل، ابي داود سليمان بن حسان الاندلسي، طبقات الاطباء و الحكماء، تحقيق فرتد سيد، بيروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۵.
- ابن حزم، علي بن أحمد الأندلسي القرطبي، جمهره انساب العرب، تحقيق لجنة من العلماء، بيروت، دار الكتب العلميه، ۱۴۰۳.
- _____، رسائل ابن حزم الأندلسي، تحقيق إحسان عباس، لبنان، موسسه العربيه للدراسات والنشر، ۱۹۸۷.
- ابن خطيب، لسان الدين، اعمال الاعلام في من بويق قبل الاحتلام من ملوك الاسلام، تحقيق ليفي بروفنسال، بيروت، دار المكشوف، ۱۹۵۶.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد، العبر وديوان المبتدأ والخبر في تاريخ العرب والبربر ومن عاصرهم من ذوى الشأن الأكبر، تحقيق خليل شحاده، بيروت، دارالفكر، ۱۴۰۸.
- ابن خير اشبيلي، ابوبكر محمد، فهرسة، تحقيق بشار عواد معروف و محمود بشار عواد، تونس، دارالغرب الاسلامي، ۲۰۰۹.
- ابن دحيه كلبى، ابوالخطاب عمر بن حسن الاندلسي، المطرب من اشعار اهل المغرب، تحقيق ابراهيم الأبياري، حامد عبدالمجيد، احمد احمد بدوي، بيروت، دار العلم للجميع، ۱۳۷۴.
- ابن سعيد مغربي، أبو الحسن علي بن موسى، المغرب في حلى المغرب، تحقيق شوقي ضيف، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۵۵.
- ابن عذارى المراكشي، أبو عبدالله محمد بن محمد، البيان المغرب في أخبار الأندلس والمغرب، تحقيق ج.س. كولان و ليفي بروفنسال، بيروت، دارالثقافه، ۱۹۸۳.

- ابن فرج، احمد، الحدائق والجنان من أشعار أهل الأندلس وديوان بنى فرج شعراء جيان، به كوشش محمد رضوان الدايه، عجمان، ابوظبى، ۲۰۰۳.
- ابن فرضى، ابوالوليد عبدالله بن محمد الأزدى، تاريخ علماء الاندلس، تحقيق السيد عزت العطار الحسينى، قاهره، مكتبه الخانجى، ۱۴۰۸.
- اسلام ابوزر، عبدالحميد احمد و ديگران، «التطور العلمى فى الأندلس زمن الخليفة الحكم المستنصر»، المجله العلميه لكلية الآداب جامعه اسيوط، المجلد ۲۳، العدد ۷۶، قاهره، اكتوبر، ۲۰۲۰.
- بكرى، ابو عبيد عبدالله بن عبدالعزيز، المسالك و الممالك، تحقيق جمال طلبه، بيروت، دارالكتب العلميه، ۲۰۰۳.
- پالنيا، آنخل جنثالث، تاريخ الفكر الاندلسى، ترجمه حسين مونس، قاهره، مكتبه الثقافه الدينيه، ۱۹۵۵.
- حميدى، محمد بن فتوح ميورقى، جذوه المقتبس فى ذكر ولاه الأندلس، قاهره، دارالمصريه للتأليف والنشر، ۱۹۶۶.
- خشنى، محمد بن حارث، قضاة قرطبه، تحقيق ابراهيم الاييارى، بيروت، دار الكتب اللبنانى، ۱۴۱۰.
- دوزى، رينهرت، المسلمون فى الاندلس، ترجمه حسن حبشى، قاهره، الهيئه المصريه العامه للكتاب، ۱۹۹۴.
- دويدار، حسين يوسف، المجتمع الاندلسى فى العصر الاموى، قاهره، مطبعه الحسين الاسلاميه، ۱۴۱۴.
- زييدى، محمد بن الحسن الاندلسى الإشبلى، طبقات النحويين واللغويين، تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم، بيروت، دار المعارف، [بى تا].
- شهيدى پاك، محمد رضا، تاريخ تحليلى اندلس، قم، المصطفى، ۱۳۹۴ ش.
- ضبى، أحمد بن يحيى، أبو جعفر، بغية الملتبس فى تاريخ رجال اهل الاندلس، قاهره، دارالكاتب العربى، ۱۹۶۷.
- عبدالمنعم الهاشمى، الخلافة الامويه، بيروت، البحار، ۱۹۹۸.
- عنان، محمد عبدالله، تاريخ دولت اسلامى در اندلس، ترجمه عبدالمحمد آيتى، تهران، كيهان، ۱۳۶۶ ش.
- قاضى صاعد بن احمد اندلسى، التعريف بطبقات الامم تاريخ جهانى علوم و دانشمندان تا قرن پنجم، تصحيح غلامرضا جمشيدنژاد، تهران، هجرت، دفتر نشر ميراث مكتوب، ۱۳۷۶ ش.
- قاضى عياض، أبو الفضل عياض بن موسى اليحصبى، ترتيب المدارك وتقريب المسالك، تحقيق سعيد

- احمد اعراب، المغرب، مطبعة فضاله المحمديه، ١٩٨١.
- كولان، ج.س.، كتاب الاندلس، ترجمه احمد خورشيد، عبدالحميد يونس و حسن عثمان، بيروت، دارالكتب اللبناني، ١٩٨٠.
- مراكشي، محي الدين عبدالواحد بن علي التميمي، المعجب في تلخيص أخبار المغرب من لدن فتح الأندلس إلى آخر عصر الموحدين، تحقيق صلاح الدين الهواري، صيدا، المكتبة العصريه، ١٤٢٦.
- مقرئ، شهاب الدين أحمد بن محمد، نفع الطيب من غصن الأندلس الرطيب، وذكر وزيرها لسان الدين بن الخطيب، تحقيق إحسان عباس، بيروت، دار صادر، ١٩٩٧.
- مونس، حسين، معالم تاريخ مغرب و الاندلس، قاهره، مكتبه الاسره الاعمال الفكرية، ١٩٩٢.
- النباهي، أبو الحسن علي بن عبدالله المالقي الأندلسي، تاريخ قضاه الأندلس، بيروت، لجنة إحياء التراث العربي، ١٤٠٣.
- نعنعي، عبدالمجيد، دولت امويان در اندلس، ترجمه محمد سپهري، قم، پژوهشكده حوزه و دانشگاه، ١٣٨٠.